

## پیام رهبر انقلاب اسلامی به گردهمایی فرماندهان ارتش بیست میلیونی - 2 / آذر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

سالگرد تشکیل بسیج مستضعفان، یادآور خاطره‌ی پرشکوه مجاهداتی است که در دوران هشت‌ساله‌ی جنگ تحمیلی، زیباترین تابلوهایی ایثار و فداکاری همراه با نجابت و فروتنی و توأم با شجاعت و رشادت را ترسیم کرده است؛ خاطره‌ی جوانمردان پاکدامن و غیوری که شیران روز و زاهدان شب بودند و صحنه‌ی نبرد با شیطان زر و زور را با عرصه‌ی جهاد با نفس اماره به هم آمیختند و جبهه‌ی جنگ را محراب عبادت ساختند؛ جوانانی که از لذات و هوسهای جوانی برای خدا گذشتند، و پیرانی که محنت میدان جنگ را بر راحت پیرانه‌سر ترجیح دادند، و مردانی که محبت زن و فرزند و یار و دیار را در قربانگاه عشق الهی فدا کردند؛ خاطره‌ی انسانهای بزرگ و کم‌ادعایی که کمر به دفاع از ارزشهای الهی بستند و از هیبت دروغین قدرتهایی که برای حفظ فرهنگ و ارزشهای جاهلی غرب به مصاف ارزشهای الهی آمده بودند، نهراسیدند؛ خاطره‌ی صدها هزار جوانمرد روستایی و شهری، کاسب و کارگر، دانشجو و طلبه، پزشک و پرستار، مهندس و هنرمند، اداری و بازاری، پیر و جوان که عاشقانه به ندهای مکرر امامشان و محبوبشان و سلسله‌جنبان عشق مقدسشان - حضرت امام خمینی (علی‌الله‌کلمته) - پاسخ گفتند و رو به خدا و پشت به دنیا کردند؛ برخی فوز شهادت یافتند و بعضی با اسارت و جراحت و نقص عضو آزمایش شدند و برخی جسم و جان مبارک خود را که سرشار از فیض و نور شده بود، سالم و کامل به خانه برگرداندند، تا همچون ذخیره‌ی برای دفاع در روز احتیاج، و در خدمت اسلام و انقلاب و میهن و ملت، از آن نگهداری کنند؛ "فمنهم من قضي نحبه و منهم من ينتظرو ما بدلوا تبديلا".

هفته‌ی بسیج، همچنین سرشار از یاد و نام آن بزرگمرد جهانداری است که ندای دعوتش همچون صلابی ربوبی در روز الست، فطرتها را مخاطب می‌ساخت و از اعماق جان بلی‌گویان جواب می‌گرفت؛ خود عاشق بود و عاشقانه سخن می‌گفت؛ بنده‌ی سلم خدا بود و دلها را سلم خود می‌ساخت؛ دردمندانه می‌خروشید و دردهای مهلکی را که افیون مخدر شیطانها از یاد آدمیان برده و از درمان محروم ساخته بود، علاج جویانه به احساس آنان برمی‌گردانید و به درمان نزدیک می‌ساخت ...؛ یاد و نام امام خمینی بزرگ که خداوند فتح‌الفتوح تصرف دل هشیاران این ملت و خیل عظیمی از مسلمانان و مستضعفان جهان را نصیب او ساخته بود و او با این سلاح الهی، قلعه‌های تصرف‌ناپذیر استکبار را یکی پس از دیگری گشود و رأس استکبار - یعنی امریکای جهانخوار - را مرعوب ساخت و تخت امپراتوریهای بی‌منازع را متزلزل ساخت؛ مسلمانان جهان را بیدار کرد و هسته‌های مقاومت اسلامی را با دم گرم و صدای امیدبخش خود متشکل ساخت؛ جمهوری اسلامی را پدید آورد و از لابلای هزاران مانع و مزاحم و معارض، بسلامت به اوج اعتبار و قدرت رسانید و خطرناکترین دشمنان آن - یعنی سردمداران نظامهای غربی - را بارها دچار ناکامی ساخت و متولیان نظامهای شرقی را از موضعی استوار و مسلط، به بطلان اندیشه‌های مذهب‌ستیز و انسان‌گریزشان هشدار داد، و هنوز یکسال از نامه‌ی پیامبرگون و تاریخی او به رأس هرم قدرت دنیای شرق نگذشته، اکنون جهان شاهد فروپاشی نظامهای مارکسیست در سراسر جهان است.

آری، رهبر کبیر انقلاب اسلامی که خود را بسیجی می‌شمرد و بدان افتخار می‌کرد، جهانی را در مقابله با استکبار و قدرتهای ستمگر عالم بسیج کرد و خواب راحت را از چشم زورگویان زدود و نور امید را که کلید همه‌ی پیروزیها و پیشرویهاست، در دل ملت‌ها تابانید. بی‌شک همه‌ی دستگاههای استکبار نیز به آسانی نخواهند توانست بذری را که او پاشیده، جمع کنند و بنایی را که او پی افکنده، ویران سازند؛ اگرچه بشدت و قساوتی عنادآمیز، با نتایج و ثمرات جهاد بزرگ او در مبارزه و معارضه‌اند.

در سالگرد بسیج، نکته‌ی مهمی که بسیجیان و همه‌ی ملت ایران باید بدان توجه کنند، این است که قدرتهای استکباری غرب، امروز در همه‌جا خود را با اسلام روبه‌رو می‌بینند. آنان از اسلام احساس خطر می‌کنند. آنان هر نشانه‌ی اسلامخواهی را، طلیعه‌ی خطری جدی برای قدرت و منافع خود تلقی می‌کنند. بدیهی است که اسلام ناب

محمدی (صلی الله علیه و آله) که ظلم و فساد و انحطاط اخلاقی را در محیط زندگی بشر تحمل نمی کند، برای نظامیایی که بر پایه ی ظلم و فساد و انحطاط بنا شده اند، خطری حقیقی است. این است که همه ی قدرتهای شیطانی عالم، امروز در مصاف جلوه های اسلام، از خشن ترین روشهای برخورد استفاده می کنند و بدیهی ترین اصولی را که تا کنون شعار داده اند، زیر پا می گذرانند.

در فلسطین اشغالی، مسلمانانی که بی اعتنا به سازشکاریهای خائنه، با دست خالی به مبارزات حق طلبانه ادامه می دهند، با روشهای خشن و غیر انسانی سرکوب می شوند و زن و کودک و پیرشان به دست سربازان دستورگرفته ی صهیونیست شکنجه و تارومار می شوند و از این همه مدعیان حقوق بشر از دولتهای غربی صدایی بر نمی خیزد و امریکا و انگلیس و برخی دیگر، حمایت عملی و تشویق زبانی هم می کنند!

در لبنان، علاوه بر اردوگاههای آوارگان مظلوم فلسطینی، خانه و کاشانه ی مسلمانان لبنانی به وسیله ی جتھای اسرائیلی بمباران می شود و زن و مرد و پیر و جوان رهگذر و غیر نظامی به خاک و خون کشیده می شوند و روحانی موجه و محترمی، نیمه شب به وسیله ی مزدوران صهیونی از خانه ی خود ربوده می شود، و از میان این همه دولت غربی که سالهاست محکوم کردن تروریسم و آدم ربایی را ترجیح بند همه ی حرفهای خود قرار داده و به قصد کسب وجهه، مدام هر دولت مخالف منافع خود را بدان متهم می دارند، حتی یک نفر هم در برابر این حرکتها زشت و وحشیانه ی تروریستی، موضعی جدی نمی گیرد و از این که دولتی این طور قلدرا نه به خانه ی مردم کشوری دیگر بمب بریزد، یا از آن آدم بر باید، متأثر نمی شود!

در بعضی کشورهای اسلامی و در سایه ی دولتهای خودباخته در برابر غرب، خالصترین و غیورترین مسلمانان به چشم عناصر خرابکار نگریسته شده و با شدت و خشونت و با حبس و زجر و اعدام با آنان رفتار می شود. در اروپا و در کشورهایی که خود را مهد تمدن و دمکراسی می شمارند، مسلمانان دچار تبعیض و حق کشی و حتی فشار و سرکوب قرار می گیرند و صریحا به جرم پایبندی به اسلام محکوم می شوند.

آنچه در هفته های اخیر در فرانسه و بعضی دیگر از کشورهای اروپایی "جنگ روسری" نامیده شد، در واقع مبارزه ی سراسیمه و ناشیانه یی از سوی سردمداران فرهنگ غربی با پدیده هایی است که آنان آن را جهش برقی از فرهنگ اسلام و نشانه ی نفوذ روزافزون اسلام تلقی می کنند و در مقابله با آن به قدری صبر و متانت را از دست می دهند که یکباره رؤسای کشور به مبارزه جویی در برابر چند دختر بچه ی متعبد و چند خانواده ی مقید مسلمان ظاهر می شوند!

اینها همانهاییند که فریاد دفاع ریاکارانه شان از آزادیها و تمایلات فردی، گوش دنیا را کر کرده است! وقتی اعتراض علیه نویسنده یی است که وقیحانه به مقدسات یک میلیارد مسلمان دشنام داده، آنان طرفدار آزادی بیان و عقیده ی فردی می شوند؛ اما وقتی سخن از زن یا دختر بچه ی مسلمان است که می خواهد بر طبق عقیده ی مذهبی خود لباس بپوشد، دیگر آزادی فردی از یاد می رود و همه چیز رنگ دیگری می یابد و هرگونه حرکت ضد اخلاقی و ضد آزادیها و حقوق فردی، نام مبارزه با ارتجاع می گیرد! اف باد بر ریاکاران دروغگو و منافق!

در بسیاری از کشورهای اروپایی، اقلیت مسلمان مورد آزار و تبعیض و تحقیر قرار می گیرد؛ اما آنها که در همه ی امور کشورهای دیگر زیر عنوان دفاع از حقوق بشر دخالت می کنند و حتی از تحریک انگیزه های قومی و مذهبی در مواردی که لازم بدانند، ابا نمی کنند، کمترین اشاره یی به حق تضییع شده ی این مظلومان نکرده، با سکوت و احيانا عمل خود، به ستمی که بر مسلمین می رود، مهر تأیید می زنند. در برخی کشورهای آسیایی هم اقلیتهای بزرگ مسلمان دچار همین سرنوشتند و چنان که همه می دانند، امروز جامعه ی مسلمین هند با ستمی وسیع و بی مهار روبه روست.

در نقاط مختلف جهان، دشمنان اسلام به مساجد - که پایگاه حریت انسان و جایگاه رابطه ی او با خدا و مرکزی برای کسب آگاهی از شیطنتهای شیاطین زر و زور است - با بغض و کینه یی عمیق می نگرند و تا آن جا که بتوانند، با وجود و حضور و فعالیت آنها ستیزه می کنند. هم اکنون مسجدالاقصی، قبله ی دوم مسلمین - که بحمدالله پایگاه بیداری و مبارزه نیز شده است - مورد جسارت صهیونیستهای پلید قرار گرفته، و در فرانسه و هند نیز مسجد در معرض اهانت و تخریب واقع شده است.

مجموع این حوادث و نظایر فراوان آن، بروشنی این حقیقت هشداردهنده را مجسم می‌سازد که امروز قدرتمداران عالم و اداره‌کنندگان نظام سلطه در جهان، اسلام را خطری بزرگ می‌شمارند و تجدید حیات اسلام ناب محمدی ( صلی‌الله‌علیه‌وآله ) را در ایران، نه تنها برای منافع منطقه‌یی، بلکه برای منافع جهانی خود که عملاً در حفظ و استقرار نظام سلطه - یعنی تقسیم کشورهای جهان به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر - متبلور شده است، تهدیدی جدی به حساب می‌آورند، و بر این اساس با همه‌ی توان خود به مصاف اسلام آمده، و بیش از همه با سرچشمه‌ی امیدبخش این فیض الهی - یعنی انقلاب پیروز اسلامی و نظام مقدس اسلامی در ایران - دشمنی و عناد می‌ورزند. دانستن این حقیقت و توجه به ابعاد گوناگون آن، هوشیاری و عزم و جدیت عموم ملت ایران و مسلمانان جهان را در چگونگی مقابله با توطئه‌هایی که از سوی دشمن طراحی می‌شود، طلب می‌کند. ملت ما البته در طول دهساله‌ی گذشته با انواع توطئه‌های دشمنان آشنا شده و با آنها دست و پنجه نرم کرده و بحمدالله بر بیشتر آنها فایق هم شده است؛ و سنت مسلم الهی آن است که در چنین میدانی - در میدانی که ملتی مؤمن و انقلابی و برحق و هوشیار و بااراده، در آن با دشمنانی مادی و زورگو و نابحق و شیطان‌صفت مبارزه می‌کند - پیروزی از آن جبهه‌ی حق است که از کمک خدا و اراده‌ی راسخ و روح فداکاری برخوردار است؛ و این همان چیزی است که ما در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب تا امروز تجربه کرده‌ایم؛ و همان چیزی است که در سراسر تاریخ نبوتها تحقق یافته و قرآن بارها از آن خبر داده است.

ولی شرط پیروزی، اتکال و اعتماد به خدا، هوشیار و جدی و آماده بودن، حفظ وحدت، و فریب تبلیغات دشمن را نخوردن است. امروز یکی از تلاشهای دشمنان صرف آن می‌شود که نور امید را در دل ملت ما خاموش کنند و آنان را به اوضاع کشور و به دست‌اندرکاران و مجریان امور بدبین سازند. فاصله‌یی که دشمنان ملت ما بیند میان ملت و دولت به وجود آید، همان چیزی است که اگر خدای نخواستہ موفق شوند، دست آنان و ایادی حقیر و ریاکار و خبیث آنان در داخل را برای ضربه‌زدن به کشور و انقلاب باز خواهد کرد. این، هدف همیشه‌ی دشمن بوده و هست؛ و لذا اصرار همیشه‌ی امام فقید و عظیم آن بود که پیوند میان ملت و مجریان امور مستحکمتر شود. در دوران سازندگی، اگر دولت بتواند مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی هشت‌ساله و نیز مشکلات تحمیل شده از سوی دشمنان خارجی را برطرف ساخته و نظام اسلامی را پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی ملت بسازد - که به خواست خدا و دعای حضرت ولی‌الله‌الاعظم ( ارواحنا فداه ) خواهد توانست - بزرگترین ضربه بر استکبار جهانی وارد خواهد آمد که همواره می‌خواستہ نظام اسلامی را ناتوان از اداره‌ی صحیح و کامل کشور معرفی کند و به همین منظور هم جنگ و دیگر مشکلات را بر کشور ما تحمیل می‌کرده است. پس، پیروزی شما ملت رشید در امر بازسازی، به معنای ناکامی استکبار و پیروزی انقلاب است، و این مقصود جز با همکاری صمیمانه و همه‌جانبه‌ی مردم و صبر و عزم انقلابی آنان ممکن نیست. لذا به همان اندازه که دشمن بر جدایی میان قشرهای مردم و بالخصوص میان مردم و مسؤولان اصرار می‌ورزد، ملت باید بر همکاری و همدلی میان قشرهای مردم و بالخصوص میان دولت و ملت اصرار داشته باشند و با هوشیاری تمام، القائات مودیانہ‌ی دشمنان را شناخته، در جهت مقابل آن حرکت کنند.

اکنون برای تذکر و توجه عموم ملت عزیز، نکاتی را به اختصار یادآور می‌شوم:

1) بسیج برای دفاع از کشور اسلامی و انقلاب اسلامی به وجود آمد. آمادگی برای دفاع، امروز و همیشه یک وظیفه‌ی اسلامی و انقلابی و ملی است. بنابراین، نیروی مقاومت بسیج باید کار جذب و سازماندهی بسیجیان عزیز را با برنامه‌ریزی صحیح ادامه دهد و تشکیل ارتش بیست‌میلیونی را میسر و عملی سازد. مسؤولین محترم دولتی و قضایی نیز موظفند ضمن کمک به اجرای برنامه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تکمیل و تقویت ارتش بیست‌میلیونی، مشکلات آحاد بسیجی در دستگاههای دولتی را به شکل ویژه حل کرده، عزیزانی را که با عرضه کردن جان خود از انقلاب و کشور حراست کرده‌اند، با توسل به روشهای معمول اداری و کاغذبازیهای رایج آزوده نکنند و خدای نخواستہ موجب دلسردی این پشتوانه‌های اطمینانبخش انقلاب و کشور نشوند. چنین رفتاری از هر یک از مأموران اجرایی و قضایی، تخلف و موجب مؤاخذہ است.

- 2) امروز بسیج عناصر مؤمن و فداکار، علاوه بر دفاع مسلحانه از کشور و انقلاب، باید سازندگی کشور را نیز هدف دیگر خود قرار دهد. امروز، روزی است که همه‌ی نیروها باید همه‌ی سرمایه‌های علمی، فکری، تخصصی، تجربی، مادی و معنوی خود را همچون بسیجیان میدان جنگ، پشت سر دولت به میدان سازندگی وارد کنند؛ دولت به شکل بسیجی عمل کرده و نیروهای کارآمد بسیجی را به حضور در میدان سازندگی تشویق کند و با برنامه‌ریزی جامع، جایگاه هر قشر و هر فردی را در جهاد بازسازی کشور معین کند، و آحاد مردم نیز با ترجیح مصلحت سازندگی بر مصالح شخصی، فداکارانه در این میدان مجاهدت کنند.
- 3) ما همان‌طور که در جنگ جدی و مصمم بودیم، در رعایت آتش‌بس و حرکت به سمت صلحی پایدار نیز جدی و مصممیم؛ لیکن روند مذاکرات نشان می‌دهد که رژیم عراق آماده‌ی قبول حق نیست و در پشت میز مذاکره نیز با همان روحیه‌ی تجاوزطلبی میدان جنگ سخن می‌گوید. لذا علاوه بر ارتش و سپاه، بسیجیان سلحشور و هسته‌های مقاومت نیز باید همواره آماده و هوشیار باشند، تا در صورت لزوم، به وظیفه‌ی دفاع مقدس قیام کنند.
- 4) وحدت عمومی مردم، مظهر فضل الهی و پربرکت‌ترین سرمایه‌ی ملت ماست. همه باید سعی بر حفظ این سرمایه داشته باشند و به هیچ‌کس اجازه داده نشود که با پراکندن بذر اختلاف و عداوت، این موهبت الهی و این سرمایه‌ی بی‌بدیل را به آتش بکشد. اختلاف سلیقه و نظر سیاسی و اقتصادی و اختلاف در تشخیص مصالح، میان برادرانی که در اصول انقلاب و اسلام همدل و همفکرند، نباید به خصومت و تنازع و کشمکش بینجامد.
- 5) همه‌ی آحاد ملت عزیز را به روح خوشبینی برادرانه میان برادران، و سوءظن هوشیارانه نسبت به بیگانگان و دشمنان دعوت می‌کنم. اگر تبلیغات استکبار سعی بر ایجاد فضای سوءظن و بددلی در داخل کشور دارد، ما باید علی‌رغم خواست و از روی سوءظن به او، هر گمان بد نسبت به برادران اسلامی و انقلابی خود را از دل و از فضای جامعه بزداییم. مخصوصاً گویندگان و نویسندگان و آنان که در خود شایستگی آن را می‌بینند که با مردم و برای مردم سخن بگویند، باید مراقب باشند که به سود استکبار و همزبانان با تبلیغات استکباری، فضای زندگی مردم را به بدبینی و بددلی آلوده نکنند، و نوای امید و نشاط سردهند.
- 6) تبلیغات امریکایی و همدستانشان می‌خواهند القاء کنند که در ایران، دوران جوشش انقلاب بسر آمده و انقلاب راه گذشته‌ی خود را تغییر داده است. علی‌رغم دشمن اعلام می‌کنیم و همه باید عملاً و قولاً نشان دهند که انقلاب اسلامی راه مبارزه با ظلم و استکبار و فساد را رها نکرده و هرگز نخواهد کرد. اگر قلدان عالم، خوش‌خیالانه گمان می‌کنند که این سنگر مظلومان و این مدافع مستضعفان و این پایگاه مبارزه با نظام سلطه و ظلم و استکبار جهانی، لحظه‌ی هدف‌های بزرگ خود را از یاد خواهد برد، سخت در اشتباهند.
- ما همچنان و همیشه مدافع ملت‌های مظلوم و زیر یوغ استکبار هستیم و خواهیم بود. ما همواره در کنار ملت مسلمان و مبارز و رشید فلسطین، بر ضد صهیونیسم جنایتکار هستیم و خواهیم بود، و به برادران فلسطینی خود توصیه می‌کنیم که راه خدا - یعنی مبارزه با دشمن غاصب و حامیانش - را با توکل و اعتماد به خدا و تا نابودی دولت صهیونیست غاصب ادامه دهند. ملت بزرگ و بسیجیان مؤمن و فداکار ما، دفاع از فلسطین را فریضه‌ی دینی می‌شمارند و در راه خدا هیچ هدفی را دست‌نیافتنی نمی‌دانند. ما همواره از حق ملت مظلوم افغانستان در برابر آنان که با او به زور یا تزویر عمل کرده‌اند، دفاع خواهیم کرد و معتقدیم ملت افغان که با نثار خون هزاران شهید توانسته نیروهای بیگانه را از خانه خود بیرون براند، در سایه‌ی توکل به خدا و قطع امید از قدرتهای مداخله‌گر و کسانی که به آنان خدمت می‌کنند، خواهد توانست نظام اسلامی مستقل از شرق و غرب و مبتنی بر خواست و اراده‌ی ملت را در کشور خود مستقر نماید. ما خود را همواره نسبت به ملت مقاوم و مظلوم لبنان که دستخوش توطئه‌ی مشترک صهیونی، مارونی، امریکایی است، دارای تکلیف دانسته‌ایم و خواهیم دانست. این، راه ما و وصیت امام عظیم‌الشأن ما و دستور اسلام ماست و بدان همواره وفادار خواهیم ماند.
- 7) این جانب از این‌که کسانی می‌کوشند تا در میان مردم ما رسم تجمل‌گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند، شدیداً نگران و متأسفم؛ و از این‌که مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف‌گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند، به خدا پناه می‌برم. آنان که تجملات و زیاده‌ی غیرضرور و ولخرج‌مابانه را از روی

بي دردي ناشي از وسعت و توانايي مالي انجام مي دهند، به خود آيند و به انفاق روي آورند؛ و آنان كه با سختي و تنگدستي، بر خود چنين چيزي را تحميل مي كنند، از اين امر خسارتبار دست بکشند. براي متمكنين، ميانه روي؛ و براي قشرهاي متوسط، قناعت در امور شخصي؛ و براي همه، تلاش و كار و توليد و رونق دادن به وضع عمومي، فريضه ي انقلابي و رسمي اسلامي است.

از خداوند توفيق همگان را در راه هدفهاي والاي انقلاب اسلامي عزيزمان درخواست مي كنم. به روان پاك امام و قائد بزرگمان درود مي فرستم و علو درجات شهداي عزيز، بويژه شهداي بسيج را از خداوند متعال مسألت مي كنم.

سيد علي حسيني خامنه اي  
دوم آذر ماه 1368